نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۹۹، صفحات ۲۴۷ تا ۲۵۱

پژوهشی

نگرش فلسفی ـ فقهی کلان به مقوله سلامت معنوی از منظر اسلام (قسمت سوم)

علیرضا اعرافی[1*]

چکیده

زمینه و هدف: هدف این مقاله، تبیین نظریه جامع معنویت از منظر اسلام است. این نظریه واجد ابعاد «کلامی فلسفی»، «فقهی حقوقی»، «اخلاقی ارزشی» و «تاریخی تمدنی» است و علاوه بر تعالی‌بخشی معنوی، می‌تواند در پیشگیری و درمان نابه‌سامانی‌های جسمی، روحی، روانی و اجتماعی به کار گرفته شود.

روش: این نوشتار با استفاده از قرآن کریم، نهج‌البلاغه و متون و مستندات مذهبی تدوین شده است.

یافته‌ها: بنا بر نظریه کلان معنویت از نگاه اسلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام معنویت دارای ویژگی‌های زیر است:

فراساحتی، جامع عاطفه، عقلانیت و استدلال، جامع ابعاد دنیوی و اخروی، دارای ابعاد درونی و مناسکی، جامع ابعاد فردی و اجتماعی، دارای اهتمام به سلامت جسمی، روحی و روانی، عجین با سبک زندگی و الهام‌بخش زیست معنوی، القاکننده حس معنوی در لایه‌های درونی و ماورایی، نظام‌وار، منسجم، متوازن، ضابطه‌مند، برخوردار از توحیدی و قدسی، اتصال به ولایت الهی، فطری و در عین حال اختیاری، دارای مراتب و برخوردار از بعد درمانی و تعالی‌بخش.

نتیجه‌گیری: نظریه کلان معنویت اسلامی، علاوه بر تعالی‌بخشی می‌تواند در درمان و پیشگیری مشکلات جسمی، روحی، روانی و اجتماعی نیز به کار رود. شایسته است این نظریه به کمک نگرش اجتهادی استخراج شود و تمام پژوهش‌ها و اقدامات حوزه سلامت معنوی مبتنی بر این نظریه انجام شود.

کلید واژه‌ها: اسلام، سلامت معنوی، سلامتی، معنویت

مقدمه

بحث سلامت معنوی و نظریه معنویت از پنج منظر قابل مطالعه و بررسی است:

۱. منظر عام انسانی: بشر دارای بعد و کشش معنوی است و از منظر عام انسانی می‌توان هنجارها و ناهنجاری‌هایی برای بشر تعریف کرد. بنابراین سلامت معنوی می‌تواند از منظر عام انسانی مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد.

۲. منظر ادیان گوناگون: ادیان موجود در جوامع گوناگون به بررسی سلامت و بیماری معنوی می‌پردازند. این ادیان –اعم از ادیان شرقی از قبیل بودیسم و هندوئیسم و ادیان ابراهیمی- در این نوع مباحث، از نقاط مشترک و نقاط افتراقی برخوردار هستند. نقاط مشترک این مباحث می‌تواند مبنای شناخت سلامت و بیماری معنوی از منظر ادیان قرار گیرد.

۳. منظر ادیان توحیدی و ابراهیمی: مباحث مرتبط با سلامت و بیماری معنوی در ادیان توحیدی و ابراهیمی مانند یهود، مسیحیت و اسلام نیز تجسم یافته است.

۴. منظر دین مبین اسلام به طور عام: بحث سلامت و بیماری معنوی از منظر اسلام - به معنای فرا مذهبی آن - نیز قابل بررسی است.

۵. منظر شیعه و معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام در منظر پنجم، سلامت و بیماری معنوی یا هنجار و ناهنجاری معنوی از نگاه مکتب اهل‌بیت علیهم السلام و شیعیان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پنج منظر مذکور، از عام به خاص مرتب شده‌اند و شاخص‌های موجود در آن‌ها نیز از تعین کمتر و کلیت بیشتر به سمت تعین و تشخص بیشتر حرکت می‌کنند. به بیان دیگر، در منظر عام و کلان بشری، به شاخص‌ها و عناصری کلی و نامتعین اشاره می‌شود؛ در منظر دینی عام، این شاخص‌ها، تعین بیشتری پیدا می‌کنند. در منظر ادیان ابراهیمی و مبتنی بر رسالت و ارتباط رسول با عالم غیب، تعین این شاخص‌ها افزایش می‌یابد. در واقع، در منظرهای خاص‌تر، ضوابط و معیارهای دقیق‌تری برای شاخص‌های معنویت ایجاد می‌شود. ازاین‌رو، در منظر عام اسلامی، شاخص‌ها و ضوابط بیشتری نسبت به منظرهای پیشین وجود دارد. همچنین در منظر شیعی و معارف اهل‌بیت بیش‌ترین تعین و ضوابط و شاخص‌های دقیقی و

۱. * نویسنده مسئول: رییس حوزه‌های علمیه سراسر کشور

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

جامع‌تری موجود است. البته نمی‌توان مـدعی شـد هـر شاخصـی کـه در نگاه‌های عام‌تر وجود دارد، باید در منظرهای خاص نیز موجود باشد؛ بلکه در بعضی موارد شاید برخی شاخص‌های موجود در دایره عام‌تر، متباین بـا شاخص‌های موجود در دایره خاص‌تر محسوب شوند؛ ولی در اغلب موارد، دایره‌های خاص‌تر، علاوه بر برخورداری از معیارهای موجود در دایره‌هـای عام‌تر، از شاخص‌های متعین‌تر و دقیق‌تری برخوردار هستند. به کمک این نکته می‌توان الگویی بـرای مقایسـه و تطبیـق شـاخص‌هـای معنویـت از منظرهای پنج‌گانه طراحی کرد.

تحلیل معنویت و سلامت معنـوی از منظـر مکتـب اهل بیت (علیهم‌السلام)

در بحث کنونی، تلاش بر این است کـه نظریـه معنویـت کـلان از منظـر اسلام و معارف اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بررسی و تبیین شود. دین مبین اسـلام نظریه‌ای خاص در مورد معنویت، قدسی‌گرایی و جهان ماورای مادی دارد.

در منطق اسلام، معنویت، به دو نوع قابل تقسیم است:

نوع اول: معنویت خاص؛ مراد از این نوع معنویت، انجام مناسکی ماننـد نماز و حج است که در شریعت معرفی شده‌اند.

نوع دوم: معنویت عام؛ انسان می‌تواند با بهره‌مندی از نیت‌های الهـی و گرایش‌های معنوی، تمام اعمـال خـویش را بـه عبـادت تبـدیل کنـد. در معنویت اسلامی این ظرفیت وجود دارد که تمام ساحات زندگی بشر، ذیل معنویت، قدسی‌گرایی و احساس متعالی قرار گیرد. این احساس قدسـی و معنوی، می‌تواند حتی نشستن و ایستادن انسان را به امری الهی و معنوی تبدیل نماید و ازاین‌رومی‌تواند با توجه به کارکردهـای متنـوعی کـه دارد، آسایش و آرامش روانی ویژه‌ای را برای انسـان بـه ارمغـان آورد. بنـابراین معنویت اسلامی می‌تواند از عبادت به معنـای خـاص عبـور کنـد و تمـام ساحات زندگی انسان را شامل شود.

الف) شاخص‌های معنویت به معنای عام

برخی از شاخص‌های معنویت به معنای عام به شرح زیر هستند:

۱. ابتنا بر واقعیت‌ها: تحولات درونی انسان، بریده از واقعیت‌های بیرونـی نیست. نظریه معنویت از یک سو در دنیای باطن انسان و از سوی دیگر در نظریه‌های مرتبط با دنیای بیرونی مانند توحیـد، ولایـت، آخـرت و معـاد تجسم یافته است و این دو دنیا کاملاً با یکدیگر ارتباط دارند. این شاخص، معنویت اسلامی را از معنویت‌هایی درونیِ محض و مبتنی بـر گـزاره‌هـای تصنعی، خیالی، وهمی و خرافی جدا می‌کند.

۲. فطری بودن: در معماری درون بشر و ایجاد احساس معنـوی، فطـرت انسان نقش دارد.در قرآن کریم به برخورداری انسان از فطرتی الهی اشـاره شده است: «فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفًا فِطْرَتَ اللَّـهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّـهِ ذَلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَلَکِنَّ أَکْثَرَالنَّاسِ لَایَعْلَمُونَ[1]».

۳. اختیاری و اکتسابی بودن: در حس معنوی انسان عوامـل محیطـی، خانوادگی، اجتماعی و سایر عوامل پیرامونی می‌توانند اثرگذار باشند؛ اما در نهایت، جهت‌گیری‌های آن اختیاری و اکتسابی محسوب می‌شوند و انسان با اختیار خویش می‌تواند حس معنوی‌اش را تعمیق یا گسترش دهد.

۴. تشکیکی و دارای مراتب بودن: برای معنویت مراتب گوناگونی وجـود دارد؛ برخی از مراتب معنویت و احساس معنوی در دسترس تمام افراد است و تمام انسان‌ها در آن اشتراک دارند؛ اما این حـس معنـوی قابـل تصـعید و نیل به مراتب بالاتر است. مراتب معنویـت در دانـش‌هـای گونـاگونی ماننـد اخلاق و عرفان بررسی و تبیـین شـده‌انـد. البتـه بنیادهـای نظـام طـولی و تشکیکی معنویت در منطق دینی و به وسیله آیـات و روایـات تبیـین شـده است. در روایتی از امام صادق (ع) آمـده اسـت: «إِنَّ الْإِیمَـانَ عَشْـرُ دَرَجَـاتٍ بِمَنْزِلَةِ السُّلَّمِ یُصْعَدُ مِنْهُ مِرْقَاةً بَعْدَ مِرْقَاةٍ[2]». بنابر این روایت، ایمان به نردبـانی تشبیه شده که ده مرتبه دارد و مؤمنان به تدریج از آن صعود می‌کنند.

۵. جامعیت: معنویـت اسـلامی، جـامع اسـت. بـرای جامعیـت معنویـت اسلامی، منظرهای گوناگونی می‌توان بیان کرد:

۱.۵. توجه همزمان به سلامت جسمی و روحی: در معـارف اهـل‌بیـت (علیهم‌السلام) و در نگرش‌های اخلاقی، معنوی، فلسفی و حکمی، ساحت روحی و درونی نسبت به ساحت جسمانی اهمیـت بیشـتری دارد؛ امـا بـه ساحت‌های جسمانی و ظاهری نیز توجه شده است.

۲.۵. جمع بین عاطفه و عقلانیت و تأثیر بر نگرش‌هـا و گـرایش‌هـای انسان: معنویت اسلامی به چند ساحت درونی انسان توجه دارد و بر سه نظـام درونی انسان اثر می‌گذارد؛ معنویت اسلامی علاوه بر تأثیر در نظـام اعتقـادات و باورهای شخص، بر نظـام نگـرش‌هـا و تفسـیرهای او و نظـام گـرایش‌هـای و تمایلاتش نیز اثرگـذار اسـت.معنویـت اسـلامی، منحصـر بـه ابعـاد عـاطفی و احساسی نیست؛ بلکه از ابعاد فلسفی و عقلانی نیز برخوردار اسـت. عقلانیـت و برخورداری از مبانی عقلانی، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصل در نظریـه معنویـت اسلامی اسـت. متأسـفانه در دنیـای کنـونی و بـه خصـوص در جهـان غـرب، معنویت به یک احساس، عاطفه، کشش و گـرایش فـرو کاسـته شـده اسـت و الزاماً منطبق بر عقلانیت و منطق فلسفی نیست. معنویـت در ایـن دوره، بـرای بسیاری از افراد، یک نوع لذت و علاقه شخصی محسوب می‌شود،[3]

۳.۵. توجه به ابعاد فردی و اجتماعی: نظریه سلامت معنـوی در دیـن مبین اسلام، فردی و درعین‌حال اجتماعی است و حتی ابعاد حماسی نیـز در نظریه معنویت اسلامی اشراب می‌شود.

---

۱. سوره روم (۳۰)، آیه ۳۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۵.

۳. معنویت‌گرایی عاطفی و احساسی را می‌توان ناشی از تفکرات آگوست کنت دانست؛ ر.ک: هنری توماس، بزرگان فلسفه، ص ۳۲۱.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

۴.۵. الهام زیست معنوی در تمام قلمروهای زندگی: معنویت اسلامی، علاوه بر لایه‌های درونی و باطن انسان، در رفتارها و سبک زندگی او نیز جلوه دارد. باید توجه داشت که سبک زندگی انسان مسلمان به امور عبادی مانند نماز و روزه محدود نمی‌شود؛ بلکه تمام قلمروهای زندگی مشمول این دایره هستند. معنویت اسلامی، با الهام یک زیست معنوی، به انسان در تمام زمینه‌ها - چه واجبات و چه مستحبات - سلامت و طراوت معنوی را هدیه می‌کند.

۵.۵. توجه همزمان به ابعاد درونی و مناسکی: معنویت اسلامی ضمن برخورداری از ابعاد قلبی و درونی، به آیین‌ها و شعائر نیز توجه دارد. این نکته به عنوان یکی از نقاط تمایز معنویت اسلامی از سایر نگرش‌های معنوی است. طبق این مؤلفه، نظریه معنویت اسلامی در یک نقطه اعتدال قرا می‌گیرد؛ از یک سو به سمت باطن‌گرایی محض گرایش پیدا نمی‌کند؛ از سوی دیگر نیز از ظاهرگرایی سطحی و به دور از احساسات باطنی و عمیق –برخلاف برخی از نحله‌های صوفیه- فاصله می‌گیرد. بنابر دیدگاه صحیح در معنویت اصیل اسلامی، انسان همواره و در تمام مراتب نیل به عالی‌ترین درجات عرفانی و سیر و سلوک معنوی باید به مناسک شرعی، نقشه راه و تجلیات بیرونی معنویت مقید باشد.

۶.۵. جمع بین ابعاد دنیوی و اخروی: معنویت اسلامی، علاوه بر آثار و دستاوردهای دنیوی، پیامدها و دستاوردهای گسترده اخروی دارد. تأثیر دستاوردهای فرادنیوی معنویت اسلامی، از لحظه مرگ شروع می‌شود و تا عالم قیامت ادامه پیدا می‌کند. این دستاوردها در آیات و روایات گوناگون بیان شده‌اند[۱]. در واقع، اگرچه برخی از معنویت‌های مرسوم در میان به سیر تکاملی انسان و معاد اعتقاد ندارند، اما معنویت اسلامی، در کنار توجه به عالم دنیا[۲]، معنویتی معادمحور، فرادنیوی و اخروی محسوب می‌شود و افقی برتر نسبت به سایر معنویت‌ها ترسیم می‌کند[۳].

۶. نظام‌وارگی، انسجام، توازن و ضابطه‌مندی: معنویت اسلامی، نظام‌واره،منسجم، متعالی و متوازن با سایر ساحت‌های وجودی انسان - سلامت در ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و سایر ابعاد- است.

۷. ابتنا بر توحید ناب و قدسی‌گرایی: در بین نظریه‌های معنوی، برخی فضیلتی معرفتی برای نفی گزاره‌های مابعدالطبیعی قائلند[۴]؛ برخی به عالم قدس و توحید اعتقاد ندارند[۵]؛ همچنین برخی –مانند معنویت رایج در برخی از فرقه‌های مسیحیت- فراطبیعی و وحیانی هستند، اما به نفی توحید می‌پردازند؛ ولی در الگوسازی معنویت اسلامی، عنصر عالم قدس، غیب و تجرد، مؤلفه‌ای محوری محسوب می‌شود و در این نظریه نقشی بسیار مهم ایفا می‌کند؛ در حقیقت، معنویت اسلامی از نگرش توحیدی، قدسی و تجرد محور برخوردار است.

۸. اتصال به ولایت الهی: معنویت‌گرایی اسلامی، علاوه بر بنیادهای توحید و توجه به عالم آخرت و معاد، از بنیادهای ولایی نیز برخوردار است. به‌طورکلی، معنویت راستین بدون اتصال به ولایت الهی که در اولیای الهی متجلی می‌شود، امکان‌پذیر نیست. در نگرش اسلامی و رویکرد اهل‌بیت (علیهم‌السلام) به معنویت، اتصال به راهنمایان و مرشدان سلیم، اصل بسیار مهم برای هدایت انسان و دستیابی به لقای خداوند است[۶].

۹. تأکید بر شکوفایی حس متعالی و کشف و شهود: از منظر نظریه کلان معنویت اسلامی، ضمن پذیرش وجود مراتب گوناگون برای تعالی معنوی انسان، باید مرتبه‌ای برتر و راقی برای رشد معنوی بشر پذیرفت. در مراتب والای معنویت، دریچه‌هایی برای مشاهده و اتصال با عالم غیب برای انسان گشوده می‌شود و می‌تواند به شهود و مکاشفه دست یابد.

۱۰. برخورداری از ابعاد پیشگیری، درمان و تعالی‌بخشی: نظریه معنویت اسلامی ضمن توجه به پیشگیری، درمان و سلامت‌بخشی معنوی، به ارتقا و تعالی معنوی انسان نیز توجه دارد. در واقع، نظریه سلامت معنوی از یک سو، به سلامت روحی و تأثیر آن در رفع بیماری‌های جسمی و روحی توجه دارد و از سوی دیگر، می‌تواند موجب تعالی و ارتقای انسان در ابعاد معنوی باشد.

۱.۱۰. پیشگیری: انسان با تنظیم زندگی خویش براساس دین مبین اسلام و نظریه معنویت اسلامی می‌تواند، به زندگی پر از آرامش دست یابد و از آسیب‌های گوناگون روحی که در زیست بشر بروز پیدا می‌کنند، رها شود.

۲.۱۰. رفع برخی از مشکلات بشر به کمک معنویت: با وجود اینکه کارکرد اصلی معنویت، مربوط به عالم ماورای ماده است، ولی کارکرد دنیوی آن نیز نفی نشده و معنویت‌گرایی به عنوان گنجینه‌ای محسوب می‌شود که به کمک آن می‌توان به درمان و راهنمایی بیماران پرداخت. معنویت می‌تواند علاوه بر معالجه نابه‌سامانی‌های شخصیتی و روحی، باواسطه بر جسم انسان نیز اثر بگذارد. در دانش روانشناسی و دانش اخلاق، به برخی از بیماری‌هایی توجه می‌شودکه نظام شخصیت انسان را دچار تزلزل کرده و نابه‌سامانی‌های گوناگونی را در پی دارند. در ادامه برخی از مشکلات روحی و شخصیتی که به کمک معنویت قابل‌درمان هستند، بیان می‌شوند.

---

۱. در سوره نساء آمده است (سوره نساء (۵)، آیه ۱۳۴): «فَعِندَ اللّهِ ثَوابِ الدُنیا وَ الاخرَةِ».

۲. امام صادق (ع) می‌فرماید (محمدبن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۶):«لَیْسَ مِنَّا مَنْ تَرَکَ دُنْیَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ لَا آخِرَتَهُ لِدُنْیَاهُ».

۳. خداوند متعال در سوره روم می‌فرماید (سوره روم (۳۰)، آیه ۷): «یَعْلَمُونَ ظَاهِراً مِّنَ الحَیَوةِ الدُّنْیَا وَ هُمْ عَنِ الْاخِرَةِ هُمْ غَافِلُون».

۴. برای نمونه، برخی از معنویت‌های پست‌مدرن از این قبیل‌اند:

Jorge N. Ferrer and H. Sherman Jacob, The Participatory Turn: Spirituality, Mysticism, Religious Studies ,p 24.

5. Ewert Cousins, Christ of the 21th century, p 35.Dalai Lama, Ethics fot the new M illennium.

۶. خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید (سوره آل عمران(۳)، آیه ۳۱): «قُلْ اِنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّهَ فَاتَّبِعُونِیُحْبِبْکُمُ اللّهُ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ وَ اللّهُ غَفُورٌ رَحِیم».

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

- ارزیابی‌های غیر صحیح بشر از خویشتن
- حس محرومیت
- حس فقر معنوی و فطری
- نگرش منفی به جهان هستی و پوچ‌گرایی
- ترس از مرگ
- ترس از بیماری‌ها
- ترس از مصیبت‌ها و سختی‌ها و بی‌تابی در مواجهه با ناکامی‌ها و شکست‌های فردی
- بی‌تابی در برابر بلایای اجتماعی و طبیعی
- رفتار غیر متعادل در بهره‌گیری از لذت‌ها و خوشی‌ها

۳.۱۰. تعالی روحی و معنوی؛ کارکرد اصلی معنویت در اسلام: بحث ارتقا بخشی و تعالی‌بخشی معنویت در بسیاری از آیات[۱] و روایات[۲] مورد تأکید قرار گرفته است. باید توجه داشت که کارکرد اصلی و بالذات معنویت، تعالی روحی و معنوی و میل انسان به خداوند متعال و جهان آخرت است. در اصل معنویت ناب اسلامی، کارکردی ماورایی و معطوف به سلوک‌الی‌الله دارد.

ب) شاخص‌های معنویت به معنای خاص

از نگاه دین مبین اسلام معنویت خاص از شاخص‌هایی برخوردار است که آن را از سایر معنویت‌های رایج در بین جوامع بشری متمایز می‌کند. معنویت خاص اسلامی، برخاسته از امور وهمی و خیالی نیست؛ بلکه با عالم واقعیت ارتباط دارد و مبتنی بر حقایق هستی‌شناختی و موجود در عالم است. به بیان دقیق‌تر، معنویت خاص نیز معنویتی واقع‌گرا و مرتبط با توحید، عالم قدس و فراطبیعت محسوب می‌شود. امور معنوی اسلامی - مانند زیارت‌ها و عبادت‌ها - از یک سو، برخاسته و مرتبط با فطرت انسان و از سوی دیگر اختیاری هستند. برای این امور، مراتب گوناگونی قابل تصور است و ازاین‌رو، باید عبادات و معنویت را تشکیکی دانست.

در عبادت‌ها و معنویت خاص اسلامی، صرفاً به ابعاد فردی انسان توجه نشده است؛ بلکه عبادت‌های اصیل اسلامی، از ابعاد اجتماعی نیز برخوردارند. در معنویت عام سخن از تجلی معنویت در ساحت‌های گوناگون زندگی انسان بود. برای نمونه، معنویت عام در نظام اقتصادی و سیاسی جامعه اسلامی نیز کرد پیدا می‌کند؛ اما در معنویت خاص، سخن از آن است که در عبادات انسان، رویکردها و جنبه‌های گوناگونی مانند رویکردهای اجتماعی نیز وجود دارد و معنویت اسلامی، صرفاً به ابعاد فردی انسان محدود نمی‌شود.

معنویت به معنای خاص، صرفاً عاطفی نیست؛ بلکه در آداب معنوی اسلام، به ابعاد معرفتی، عقلانیت و تأثیر معنویت بر نگرش‌ها و گرایش‌های انسان نیز توجه شده است. محتوای عبادات اسلامی، سرشار از معارفی است که علاوه بر ابعاد معرفتی و شناختی، در انگیزه‌ها و رویکرد انسان به زندگی و عالم هستی می‌توانند مؤثر باشند.

معنویت خاص اسلامی، می‌تواند بر سایر ابعاد زندگی و هستی انسان نیز اثرگذار باشد؛ برای نمونه خداوند متعال می‌فرماید: «وَ أَقِمِ الصَّلاةَ إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ»[۳]. بنابراین آیه شریفه، عبادت‌های انسان می‌تواند در زندگی او تأثیر بگذارد و از انحراف او جلوگیری کند. معنویت خاص اسلامی، از آداب و مناسکی ویژه برخوردار است. این معنویت، علاوه بر تأثیرات اخروی، نتایج و برکات دنیوی نیز دارد. عبادات در دین مبین اسلام، از انسجام، توازن، نظام‌مندی و ضوابطی ویژه برخوردار هستند. در عبادت‌های گوناگون به اهمیت ولایت اولیای الهی توجه شده است. علاوه بر آنکه در عبادت‌های مختلفی مانند نماز، به تقرب و احترام به اولیای الهی و به خصوص پیامبر اکرم (ص) عنایت ویژه وجود دارد، بخشی از اعمال معنوی که در دین مبین اسلام معرفی شده‌اند، به طور خاص به معرفت معصومان (علیهم‌السلام) و توسل به ایشان اختصاص دارند. همچنین معنویت خاص اسلامی می‌تواند علاوه بر تعالی‌بخشی به انسان، در رفع برخی از مشکلات بشر تأثیرگذار باشد. برای نمونه، انسان می‌تواند با تقید به عباداتی مانند نماز، به ارتباط خویش با خداوند متعال غنا بخشد و ضمن کسب آرامش و تعالی روحی، از آسیب‌های روحی از قبیل حس محرومیت، نگرش منفی به جهان هستی، پوچ‌گرایی و ترس از مصیبت‌ها و سختی‌ها و بی‌تابی در مواجهه با ناکامی‌ها و شکست‌ها رها شود.

نتیجه‌گیری

باید نظریه معنویت اسلامی مورد استنباط، بررسی و تحلیل قرار گیرد و به عنوان نقشه راه معرفی شود؛ سپس تحقیقات میدانی برای تکمیل آن صورت پذیرد. این نظریه تفسیرهایی را ارائه می‌دهد که آسیب‌های معنویت را به حداقل می‌رساند یا رفع می‌کند. همچنین نتیجه بهره‌گیری از آن، تربیت انسان‌ها در تراز مناسب معنوی و روحی است. این نظریه با واقعیت‌های جهان هستی در ارتباط است و می‌تواند بر دنیای بیرونی مؤثر باشد. برای ارتقاء دانش روان‌شناسی باید این دانش را بر تفسیر، نگرش و رویکرد صحیح معنویت اسلامی مبتنی کرد. تاکنون تحقیقات گوناگونی در ایران اسلامی و جهان غرب بر مسئله معنویت و تأثیر آن بر روان‌شناسی و روان‌پزشکی انجام شده است، اما برای بهبود کیفیت این تحقیقات باید به

---

۱. برای مثال، سوره فتح (۸)، آیه ۴: «هُوَ الَّذی أَنْزَلَ السَّكینَةَ فی قُلُوبِ الْمُؤْمِنینَ لِیَزْدادُوا إیماناً مَعَ إیمانِهِمْ».

۲. برای نمونه، محمد شریف الرضی، *نهج البلاغة (للصبحی صالح)*، ص ۵۴۵: «وَ قَالَ ؈ أَلَا وَ إِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ وَ أَشَدُّ مِنَ الْفَاقَةِ مَرَضُ الْبَدَنِ وَ أَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ أَلَا وَ إِنَّ [مِنَ النِّعَمِ سَعَةَ الْمَالِ وَ أَفْضَلُ مِنْ سَعَةِ الْمَالِ صِحَّةُ الْبَدَنِ وَ أَفْضَلُ] مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ».

۳. سوره عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۵.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

یک نکته مهم توجه داشت. صرفاً با طراحی نقشه جامع و سپس تعریف پروژه‌های متعدد تحقیقاتی ذیل این طرح جامع می‌توان با پشتوانه‌ای قوی به بحث روان‌شناسی با نگرش معنوی و اسلامی وارد شد. در این عرصه، توجه به مباحث روش‌شناسی اهمیتی ویژه دارد و باید در کنار تحقیقات بنیادین و نظری، به تحقیقات آزمایشگاهی و عملی نیز اهمیت داد. در واقع، بسیاری از نظریاتی که شاید از منظر تحقیقات بنیادین و ابتدایی، بسیار قطعی و متقن به نظر برسند، در مقام آزمایش قابل اثبات نباشند. البته نباید در این مسئله دیدگاه‌های پوزیتیوستی محض و نافیِ اهمیت تحقیقات نظری را مبنا قرار داد.

Original

Macro Philosophical-Jurisprudential View on the Issue of Spiritual Health from the Perspective of Islam (Third Part)

Alireza Aarafi[*1]

Abstract

Background: The purpose of this article is to explain the comprehensive theory of spirituality from the perspective of Islam. This theory has the dimensions of "theological-philosophical", "Jurisprudential-legal", "ethical-axiological" and "historical-civilizational", and in addition to spiritual transcendence, it can be used in the prevention and treatment of physical, mental, psychological and social disorders.

Methods: This article has been compiled using the Holy Quran, Nahjul-Balaghah and religious texts and documents.

Results: According to the macro theory of spirituality from the point of view of Islam and Ahl ul-Bayt (as), spirituality has the following characteristics: meta-dimensional, comprehensive of emotion and rationality and reasoning, comprehensive of worldly and otherworldly dimensions, possessing internal and ritual dimensions, comprehensive individual and social dimensions, possessing intentionto physical and mental and psychological health, combined with lifestyle and inspiring spiritual life, infusing spiritual sense in the inner and metaphysicallayers, systematic, coherent, balanced, disciplined, possessing monotheistic and holy approach, connecting to divine Vilayet, innate and at the same time, voluntary, possessing various levels, and possessing remedial and transcendental dimension.

Conclusion: In addition to transcendence, the macro theory of Islamic spiritualitycan be used in the treatment and prevention of physical, mental, psychological and social problems. It is worthy to infer this theory with the help of Ijtihad attitude, and to be done all researches and actions in the field of spiritual healthbased on this theory.

Keywords: Health, Islam, Spiritual Health, Spirituality

منابع

1. Al-Kulayni M. Al-Kafi. Tehran: Darolkotob-Al-Eslamieh; 1987.
2. Thomas H. Biographical encyclopedia of philosophy. Translated by: Fereydoun Badrei. Tehran: Keyhan; 1986. [In Persian]
3. Ibn Babawayh M. Man La Yahduruhu al-Faqih. Qom: Seminary Scholar's Community; 1993.
4. Ferrer JN, Sherman HJ. The Participatory Turn: Spirituality, Mysticism, Religious Studies. New York: State University of New York Press; 2008.
5. Dalai Lama. Ethics fot the new M illennium. New York: Riverhead Books; 1999.
6. Sayyed Razi M. Nahj al-Balagha. Qom: Hejrat; 1994.

1. * Corresponding Author: Head of the Seminaries throughout country

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]